



سبزه‌دهمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در استانبول
با یک بیانیه ضدایرانی به پایان رسید

زهر بیمار سعودی

عدم شرکت روحانی در نشست پایانی به نشانه اعتراض

عراقچی: سازمان از این موضعی که علیه ایران و حزب الله گرفت پشیمان خواهد شد

صفحه ۲

تیتراژ امروز

گزارش «وطن امروز» از سیل ویرانگر
در ۲۰ استان کشور و آخرین وضعیت امداد رسانی

سیل توفانی

■ سیلاب بی سابقه ۴ قربانی گرفت
■ دستور فرمانده کل سپاه به سپاه‌های استانی
برای امداد رسانی به مردم



صفحه ۴

خبر

رئیس سازمان حج و زیارت اعلام کرد

جزئیات مذاکرات حج

رئیس سازمان حج و زیارت آخرین جزئیات مذاکرات هیأت ایرانی و عربستانی را تشریح کرد. به گزارش «وطن امروز»، سعید اوحدی، رئیس سازمان حج و زیارت درباره جلسه ۳ و تیم ساعتی هیأت مذاکره‌کننده ایرانی و عربستانی اظهار داشت: در این جلسه که وزیر حج عربستان به عنوان رئیس هیأت عربستانی به همراه معاونانش و معاونان ۲ وزارتخانه کشور و خارجه سعودی حاضر بودند، ۲ طرف مطالب و درخواست‌های خود را مطرح کردند.

اوحدی خاطر نشان کرد: بر ۲ مساله در مذاکرات تأکید کردیم؛ اول اینکه به آنها گفتیم حضور ما در عربستان به منزله جدی بودن ایران در اعزام زائران به عربستان است اما حجتی که عزت و احترام زائر حفظ شود.

وی افزود: مورد دیگر موضوع دیه شهدای حج سال گذشته بود که بارها اعلام کردیم دیه که یک حق برای زائران است پرداخت شود. آنها اعلام کردند این موضوع در دست بررسی است و خارج از مفاد قرارداد حج ۹۵ به آن پرداخته خواهد شد. رئیس سازمان حج و زیارت در ادامه افزود: بر ۳ مساله اجرایی نیز تأکید کردیم که نخستین آن صدور هر چه سریع‌تر ویزای کمیته‌های اجرایی بود تا با توجه به تأخیر پیش آمده این کمیته‌ها بتوانند کارهای اجرایی را در عربستان پیش ببرند.

اوحدی یادآور شد مورد دیگر موضوع صدور ویزای ۶۴ هزار زائر ایرانی بود که از آنها خواستیم در این باره نظرات خود را شفاف اعلام کنند و ما ضمن تأکید بر صدور ویزای زائران در خاک ایران اعلام کردیم وزارت خارجه ما آماده همکاری با وزارت خارجه عربستان در این موضوع است.

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

چرا شعار امسال نیز اقتصادی است؟

■ شهاب‌الدین سبایی

است، برخی مربوط به اقتصاد مقاومتی نیست و برخی هم کارهای جاری دستگاه‌هاست که جزو فعالیت‌های اقتصاد مقاومتی آمده است. این در حالی است که از نظر رهبر حکیم انقلاب اسلامی «اقتصاد مقاومتی، بستهای «کامل و منسجم» و خامنه‌ای به عنوان عالی‌رتبه‌ترین مقام کشور و تعیین‌کننده «سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» بر مساله اقتصاد، نشانگر مناقشاتی است که کشور پیش روی خود داشته و خواهد داشت. نگاهی به عناوین سال‌های اخیر نشان می‌دهد از همه آنها یک امر مهم استخراج می‌شود: «پیشرفت اقتصادی با تأکید بر درون».

نامگذاری سال ۹۵ با عنوان «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»، آن هم تنها مدتی پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از یک سو و اجرایی شدن برنامه از سوی دیگر پیام‌های مهمی را با خود به همراه دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد نامگذاری امسال به عنوان اقتصاد مقاومتی را می‌توان براساس آنچه در عرصه اقتصاد داخلی و روابط خارجی در جریان است، ردیابی کرد.

«حل مناقشات هسته‌ای میان ایران و غرب، رفع تحریم‌ها و آزاد شدن دارایی بلوکه‌شده و ورود سرمایه خارجی به کشور، گشایش اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار»

با تأکید بر خراج بود، رویه‌ای که بسیار خوشبینانه تصور می‌شد. بویژه آنکه کابینه یازدهم همه‌گونه محکم‌کاری در راستای تحقق برنامه را پیش برده بود. از جمله آنکه به محض اجرایی شدن برنامه تلاش شد غربی‌ها را در منافع آن شریک کنند. ورود پیاپی هیات‌های سیاسی و اقتصادی به ایران بنا بر این رویه دولت با آنچه می‌تواند «پیشرفت اقتصادی با تأکید بر درون» نام گیرد، فاصله‌ای بسیار دارد. با این تفاوت که دولت روحانی تلاش می‌کند برای حفظ ظاهر هم که شده سیاست‌های اعمالی عرصه اقتصادی خود را با نام اقتصاد مقاومتی به اجرا بگذارد. به عنوان مثال در متن لایحه برنامه ششم توسعه، که در یک ماده واحد و ۴۴ تبصره تنظیم شده است، بیش از ۲۰ بار به مفهوم اقتصاد مقاومتی اشاره شده است و همان طور که می‌دانیم این لایحه توسط مجلس شورای اسلامی به طور یکجا رد شد. ۶۷ درصد برنامه ششم هم براساس اعلام رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که اتفاقاً سوی یکی از حامیان سینه‌چاک و مولف دولت مدیریت می‌شود، غیر مرتبط با اقتصاد مقاومتی است!

به طور کلی به نظر می‌رسد رویه دولت درباره اقتصاد مقاومتی تاکنون نتوانسته به شکلی درخور انتظارات را برآورده کند. همچنان که رهبر بزرگوار انقلاب در دیدار هیأت دولت با ایشان، در هفته دولت، در زمینه عملکرد دولت یازدهم در چارچوب اقتصاد مقاومتی متذکر شدند: «برخی کارهای انجام‌شده [در زمینه اقتصاد مقاومتی] مقدماتی

انقلاب چیست و چرا نومحافظه‌کاران به دنبال پایان آن هستند؟

■ محمدمهدی داماد

نشود و هم رهبری این مطالبات از دستان آنان خارج نشود.

دو- انقلاب اسلامی نه تنها در سطح داخلی نظم الیگارشی را برهم زد و حکومت «هزار فامیل» پهلوی را به پایین کشید بلکه در سطح جهانی نیز در پی شکستن سلطه الیگارشی بین‌المللی بود. ادبیات انقلاب مملو بود از مبارزه علیه مستکبران جهانی، امپریالیسم ویرانگر و سرمایه‌داری که نه تنها دولت‌های غربی را به مالکیت خود درآوردند بلکه برای گسترش منافع نامشروع خود به استعمار و استعمار کشورهای جهان سوم هم روی آوردند. انقلاب اسلامی با یک ایدئولوژی جهانی متولد شد. با گفتمانی کاملا تحول‌خواه در سطوح مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی. بر این اساس انقلاب مقارن شد با همراهی با جنبش‌های رهایی‌بخش و مستضعفان جهان. یعنی همسویی با یک جبهه جهانی که تحت ظلم قرار گرفته است.

با این توصیف در نشانه‌شناسی از انقلاب اسلامی باید گفت انقلاب خاصیتی همراه با سلطه‌ستیزی، مبارزه با الیگارشی داخلی و جهانی، عدالتخواهی و حفظ استقلال و آزادی از وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر داشت. از اینجاست که دلیل دیگر تلاش نومحافظه‌کاران برای پایان‌بخشی به انقلاب معلوم می‌شود. زیرا آنها به دلیل آنکه به الیگارشی تعلق دارند و دیگر وارد طبقه ممتاز شده‌اند به‌لحاظ ماهوی خود را با سرمایه‌داران و الیگارشی جهانی همسنگ و همسنگی می‌پندارند. همچنین با توجه به اینکه الیگارشی جهانی از قدرت افزون‌تری برخوردار است آن را «کدخدا» دانسته و تقابلی با آن را نمی‌پسندند. نومحافظه‌کاری به جای مقاومت در برابر سلطه و تهدید منافع استعمار، پذیرش سلطه آنان را پیشنهاد می‌کند و به‌جای ایجاد وحدت در جبهه آزادی‌خواهان و عدالتخواهان جهانی تن دادن به این نظم ظلم‌خیز را بی می‌گیرد.

الیگارشی، انقلاب را با منافع خود سازگار نمی‌داند. او با پذیرش نظم سلطه و با وارد شدن به باشگاه الیگارشی جهانی حرف و زبان آنها را می‌فهمد و برای پیاده کردن تصمیمات الیگارشی جهانی بیش از هر زمان دیگری انگیزه و توان دارد. از اینجاست که به انجاست مختلف علیه انقلاب و انقلابی‌گری سخن می‌گوید. چون هم برای پیوند و دم از تغییرات و فرم‌های لازم مانند «حجاب اختیاری» نیز می‌زند. اما همه این تغییرات صرفاً برای تحکیم و تقویت قدرت خویش است تا هم مطالبات در جامعه انباشته

یادداشت امروز

«انقلاب» از مفاهیمی است که در فرهنگ سیاسی ایران از بسار ارزشی مثبتی برخوردار است و همواره در مقابل آن مفاهیمی مانند «ارتجاع»، «محافظة‌کاری» و «استبداد» قرار داشته است. اما سخن اینجاست که این وضعیت در جامعه ایران بی‌سبب و بی‌علت به وجود نیامده است و علت آن را باید در تاریخ معاصر ایران و به‌طور ویژه در انقلاب اسلامی سال ۵۷ جست.

با این مقدمه اکنون پرسش این است: در نشانه‌شناسی از مفهوم «انقلاب» به چه معنای می‌رسیم و انقلاب در فرهنگ ایران نشان از چه معنای داشته است؟ در این نوشته به ۲ معنای مهم انقلاب در ۲ سطح داخلی و خارجی اشاره می‌شود که در حقیقت یک معنا بیش نیست.

یکی- وقتی معنای انقلاب را در ادبیات انقلابیون چند دهه گذشته مطالعه می‌کنیم، اولاً انقلاب را حرکتی ملی علیه جامعه طبقاتی و دارای شکاف طبقاتی عمیق می‌بینیم. به همین دلیل است که نیروهای انقلابی در فعالیت‌های مبارزاتی خود همواره درباره جامعه بی‌طبقه سخن گفته‌اند. آنان با نام بردن از جامعه توحیدی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن را این دانسته‌اند که در جامعه توحیدی، ایران از پدیده کاست‌های اجتماعی عبور خواهد کرد و به جامعه بی‌طبقه خواهد رسید. هر چند آرمان بزرگ جامعه بی‌طبقه بسیار شیرین و دلپسند است اما رؤیایی است که دست یافتن به آن اگر نگوئیم غیرممکن، بسیار دشوار است. با وجود این رسیدن به جامعه‌ای که شکاف طبقاتی در آن به صورت بی‌عدالتی روشنی جلوه کند از اهداف دست‌یافتنی است که به‌لحاظ منطقی و عقلی هم قابل پیگیری است. در اینجا تأکید می‌شود انقلاب در فرهنگ ایرانی اولاً یعنی جهاد و کوشش برای مبارزه با شکاف‌های طبقاتی. روشن است در این مبارزه، جامعه انقلابی با جبهه‌ای مواجه است که در دره‌های بزرگ میان پایین و بالای جامعه در مراتب بالا نشسته و اساسا بزرگی او به حفظ همین شکاف طبقاتی است. اما نیروی انقلابی با اتخاذ رویکرد عدالت‌خواهانه و برابری طلبانه برای برهم زدن نظم ظالمانه‌ای که الیگارشی و طبقه مسلط برای تأمین منافع خود ایجاد کرده است ساکت ننشسته است. بر این اساس باید گفت انقلاب زنده است تا شکاف طبقاتی زنده است. اینجا نه تنها جبهه انقلاب تعریف می‌شود بلکه جبهه نومحافظه‌کاران و موضع آنان هم معلوم می‌گردد. نومحافظه‌کاران

که در دهه‌های گذشته خود را به طبقه مسلط تبدیل کرده‌اند و با این وضعیت به مراد دل‌شان رسیده‌اند انتظار دارند چون در میانه مسابقه چند گل پیش هستند رقابت انقلابی به‌طور نافرجام و غیرقانونی به پایان برسد و آنان پیروز رقابت خوانده شوند. اما آنها حتما می‌دانند انقلاب برای جابه‌جایی الیگارشی به‌وجود نیامده بود. انقلاب اسلامی انقلاب پابرهنگان و مستضعفان بود و این رقابت هنوز در جریان است؛ چه در داخل کشور و چه در عرصه جهانی.

وقتی گفته می‌شود انقلاب جریان دارد یعنی جنبش مبارزه با الیگارشی و اشرفیت جریان دارد. یعنی برای جامعه انقلابی تفاوتی ندارد که این خاندان حکومتگر چه نامی دارد و چگونه قدرت مادی خود را توجیه می‌کند. انقلاب یعنی مبارزه با فقر و فساد و تبعیض در حالی که حیات الیگارشی در گرو فساد و تبعیض است. اصلاً جوهر وجودی الیگارشی بدون فساد و تبعیض قابل تصور نیست. لذا طبیعی است که نومحافظه‌کاران در زمانی که قدرت اقتصادی و سیاسی را به‌دست گرفته‌اند با عجله سوت پایان انقلاب را به صدا درآوردند زیرا بیم آن را دارند که اگر فرهنگ انقلابی‌گری مهار نشود بسط الیگارشی امروز را نیز برمی‌چیند. به گمان آنها اگر انقلاب مهار شود وضعیت اجتماعی کشور فریز می‌شود و جنبش یخ می‌زند.

نکته مهمی که در اینجا باید بر آن تأکید کرد، این است که ماهیت محافظه‌کاری از ۲ نوع قدیم و جدیدش در همین نگرش به سیاست و جامعه است. لذا وقتی در ادبیات سیاسی گفته می‌شود محافظه‌کاران مخالف تغییر هستند و طالب حفظ وضع موجود؛ این عدم تغییر و حفظ وضع موجود یعنی فراسیون و نظم اجتماعی تأمین‌کننده منافع آنان حفظ شود. پس نباید گمان کرد آنها با هر تغییری مخالف هستند. محافظه‌کاران تلاش دارند ماهیت طبقاتی جامعه با همان شکلی را حفظ کنند اگر نه کاری با تغییرات دیگر ندارند. در حالی که انقلاب یعنی تغییر در همین وضعیت. انقلاب ارزش‌های بر ساخته نومحافظه‌کاران را برهم می‌ریزد؛ همان ارزش‌هایی که ارزش‌های ملی و منافع عمومی معرفی می‌شوند! نومحافظه‌کاران برای حفظ تسلط خویش اگر لازم باشد در قالب اصلاح‌طلبی هم برمی‌آیند و دم از تغییرات و فرم‌های لازم مانند «حجاب اختیاری» نیز می‌زنند. اما همه این تغییرات صرفاً برای تحکیم و تقویت قدرت خویش است تا هم مطالبات در جامعه انباشته